

Explanation of the theological-historical approach of Allameh Majlesi in writing the prophetic biography based on the book *Hayat al-Qulob*

Seyyedeh Fateme Miraghasi Rudaki¹ | Abbas Ahmadvand² | Mohammad Reza Barani³

(DOI): [10.22034/SKH.2022.14167.1329](https://doi.org/10.22034/SKH.2022.14167.1329)

Abstract

Original Article
P 70 - 95

Majlisi, one of the most famous scholars of the Safavid era, in all his works sought to compile and structure the doctrines of Shia Imamia. The formality of the Persian language in Iran during his era and the abundance of Persian speakers at that time, provided the context of writing the Prophet's biography in *Hayat al-Qulub* in simple Persian, based on Shia traditions and citing Sunni sources, in line with the propagation of religion and the consolidation of Shia beliefs for In the Safavid era with a larger audience, especially among the common people. This research aims to introduce propositions explaining the approach of the book by using the descriptive-analytical method and according to the temporal and spatial background, based on the theme of the book *Hayat al-Qulob*, and to show what approach Majlesi tried to use in writing history to explain theological teachings. The findings of the research show that, in Majlisi's view, Prophetic life and historiography are a means to prove the theological beliefs of Shia Imamia, and in the narration and reporting of the events of Prophetic life, he consistently prioritized theological teachings over narrative and historical reports, and history and traditions considered a function of the Shiite theology.

Keywords: biography, Allameh Majlesi, *Hayat al-Qulub*, theological-historical approach

1- PhD student of Islamic Studies, Department of History of Islamic Civilization, Shahid Beheshti University, Faculty of Theology and Religions, Tehran, Iran (corresponding author) Sf.miraghasi191@yahoo.com

2- Department of History and Civilization of Islamic Nations, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran a_ahmadvand@sbu.ac.ir

3 - History Department of Alzahra University (S), Tehran, Iran m.barani@alzahra.ir

Received: 2022/08/06 | Accepted: 2022/10/02



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

تبیین رویکرد کلامی - تاریخی علامه مجلسی در نگارش سیره

نبوی مبتنی بر کتاب حیات القلوب

سیده فاطمه میرآقاسی رودکی (نویسنده مسئول) |^۱ عباس احمدوند |^۲ محمدرضا بارانی^۳

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/SKH.2022.14167.1329](https://doi.org/10.22034/SKH.2022.14167.1329)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

ص: ۹۵/۷۰

چکیده

مجلسی از مشهورترین محدثان عصر صفوی در تمامی آثار خود در پی تدوین و ساختارمند کردن آموزه‌های شیعه امامیه بوده است. رسمیت زبان فارسی در ایران عصر او و فراوانی گویشوران به زبان فارسی در آن دوران، زمینه نگارش سیره نبوی در حیات القلوب به زبان فارسی ساده، بر مبنای روایات شیعی و با استناد به منابع اهل سنت، در راستای تبلیغ دین و تثبیت باورهای شیعه برای مجلسی در عصر صفوی با مخاطبان بیشتری به ویژه از میان عامه مردم را فراهم ساخت. این پژوهش بر آن است با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و با توجه به بستر زمانی و مکانی، بر اساس موضوع بندی کتاب حیات القلوب، به معرفی گزاره‌های تبیین کننده رویکرد کتاب پرداخته و نشان دهد که مجلسی با چه رویکردی در نگارش تاریخ به تبیین آموزه‌های کلامی تلاش داشته است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد سیره نبوی و تاریخ‌نگاری، در نظر مجلسی ابزاری برای اثبات باورهای کلامی شیعه امامیه بوده و در روایت و گزارش حوادث سیره نبوی، پیوسته آموزه های کلامی را بر گزارش‌های روایی و تاریخی برتری داده و تاریخ و روایات را تابعی از کلام شیعی دانسته است.

واژگان کلیدی: سیره‌نگاری، علامه مجلسی، حیات القلوب، رویکرد کلامی-تاریخی

۱. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش تاریخ تمدن اسلامی دانشکده الهیات و ادیان دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

Sf.miraghasi191@yahoo.com

۲. گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران a_ahmadvand@sbu.ac.ir

۳. گروه تاریخ دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. m.barani@alzahra.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۵ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۰



بیان مسأله

رسمیت یافتن مذهب تشیع در ایران توسط صفویان و سیطره اخباری‌گری در این عصر، باعث شد تألیفات فراوانی در موضوعات مختلف، مربوط به مذهب تشیع و سیره رسول خدا (ص) و دوازده امام (ع) انجام پذیرد. در این عصر، سیره‌نگاران با رویکردها و روشهای خاص خود و بنابر اقتضائات زمانه، به نگارش سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله در کنار سیره امامان (ع) پرداخته‌اند؛ بر این اساس، آگاهی از ذهنیت مورخان، عمق بخشی به تحقیقات و ساماندهی دیدگاه‌ها، کمک به کشف نقاط قوت و ضعف دیدگاه‌ها، شناخت منشاء و زمینه پیدایش نظریات، لازم و ضروری خواهد بود.

علامه مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ ق) در سایه استقرار و تسلط حکومت صفوی (۹۰۷-۱۱۴۸ ق) بر ایران و نیاز مردم به آشنایی با آموزه‌های دینی، با محوریت قرار دادن کلام نقلی و استفاده از عقل در استنباط آموزه‌های دینی (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، الف، ج ۱: ۲۵) به نشر و تبیین کلام شیعه بر اساس اخبار و روایات معصومان (ع) اهتمام ویژه‌ای از خود نشان داده و به احیاء مکتب کلامی قم در اصفهان پرداخته است.

مجلسی در زمینه وحدت ملی ایران و گسترش زبان و ادب فارسی نقش بسزایی داشته است. نهضت فارسی‌نویسی که با هدف ترویج علوم دینی، از مدت‌ها پیش از علامه، آغاز شده بود که با هدف ترویج علوم دینی، از مدت‌ها پیش از علامه، آغاز شده بود (مهدوی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۲۳)؛ در این دوره نیز، با روی کار آمدن صفویان و عمومی کردن علم دین^۵، در رأس اقدامات فرهنگی این نظام سیاسی- مذهبی قرار گرفت؛ به گونه‌ای که به غیر از آثار عربی، بیش از پنجاه اثر فارسی از ایشان به یادگار مانده که مورد استقبال فارسی‌زبانان قرار گرفته است. (طارمی، ۱۳۸۵: ۸۹-۹۵)

حیات القلوب (۱۰۸۸ ق) یکی از مهم‌ترین آثاری است که مجلسی بنابر تبیین کلام شیعه، به زبان فارسی ساده و بر پایه اقتضای حال مخاطب و بدون آرایه‌های ادبی؛ بر خلاف پیچیدگی‌های لفظی رایج در عصر صفوی و با استفاده حداکثری از منابع و مصادر شیعی متقدم، در سه مجلد آن را نگارش نموده است.

سیره‌نگاران صفوی بنابر استقرار حکومت شیعی صفوی، به تدوین منشور سیاسی- مذهبی؛ با رویکردهای غالب این عصر، چون؛ روایی-تاریخی و کلامی-تاریخی به نگارش سیره رسول خدا (ص) و امامان (ع)، اهتمام داشته‌اند که در ادامه توضیح آن‌ها خواهد آمد. مجلسی با رویکرد

^۵ . popularization

کلامی - تاریخی، با استفاده از روایات پیامبر (ص) و امامان (ع)، به نگارش سیره نبوی، در مجلد دوم این کتاب پرداخته است.

پژوهش پیش رو در نظر دارد با روش توصیفی - تحلیلی و با توجه به سایر آثار مجلسی و بستر زمانی و مکانی نگارش کتاب حیات القلوب، بر اساس موضوعات کتاب مذکور، گزارش های تبیین کننده رویکرد کلامی - تاریخی مولف را معرفی نماید و از خلال آن آموزه های کلامی عمومی شده در عصر مولف را به تصویر کشد.

۱ - علامه مجلسی و حیات القلوب

محمدباقر ابن محمدتقی بن مقصود علی مجلسی^۶ معروف به علامه مجلسی و مجلسی دوم در سال ۱۰۳۷ در اصفهان زاده شد. (تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۱۶؛ امین، ۱۴۰۶، ق، ج ۹: ۱۸۳) اندیشمندان شیعی از وی با عناوینی چون: «العالم الربانی» (آزاد کشمیری، ۱۳۸۲: ۱۷۸)، «المحدث الغواص» (انصاری، ۱۴۱۶، ق، ج ۱: ۱۶۰) و «شیخ المحدثین» (مهردوی، ۱۳۷۸: ۷۳) یاد نموده اند. مادر او دختر صدرالدین محمد عاشوری قمی؛ عالمی از خاندانهای علمی شیعه (تهرانی، ۱۴۰۳، ق، ج ۱: ۱۵۱) و پدر او محمدتقی از شاگردان بزرگ شیخ بهایی و نخستین عالمان حدیث دوره صفوی و پدر بزرگ او ملا مقصود؛ از اندیشمندان با نفوذ و مروجان مذهب تشیع بود (شاملو، ۱۳۷۴، ج ۲: ۳۷).

مجلسی نزد پدری عالم و اندیشمندانی با گرایشها و رویکردهای متفاوت، چون رفیع الدین نایینی (۱۰۹۹ ق) (امین، ۱۴۰۸، ق، ج ۹: ۲۷۲) و آقا حسین خوانساری (۱۰۹۸ ق) (اصفهانی، ۱۳۶۸، ج ۵: ۴۰) به کسب فلسفه و علوم عقلی پرداخته و از مجلس درس علمایی اخباری چون: ملاخلیل قزوینی (۱۰۸۹ ق)، (موسوی خوانساری، ۳۹۰، ق، ج ۳: ۲۷۱)، شیخ محمد حسن حر عاملی (افندی، ۱۴۰۱، ق، ج ۵: ۴۰) و عالمانی اصولی از قبیل حسن علی شوشتری (۱۰۶۸ ق) (آزاد کشمیری، ۱۳۸۷: ۱۰۴) بهره برده است. علامه از برخی از استادان خود مانند ملاصدرا (۱۰۴۵)، ملا صالح مازندرانی (۱۰۸۱)، ملا محسن فیض کاشانی (۱۰۹۱) و حر عاملی (۱۱۰۴) اجازه روایت داشته (مجلسی، ۱۴۰۳، ق الف، ج ۱۰۲: ۷۶-۸۳) و شاگردان^۷ بسیاری تربیت نموده است.

۶. برای اطلاعات کامل از زندگی مجلسی به کتابهای دیگری چون لولو البحرین فی الاجازات و تراجم رجال الحدیث، ص ۵۵-۶۰ دستور شهریاران، ص ۱۸-۱۹، فیض قدسی، ص ۶۸ و زندگی نامه مجلسی در دو جلد رجوع کنید.

۷. در کتاب اجازات الحدیث، تحقیق سید احمد حسینی، ص ۸۸ تعداد شاگردان مجلسی و اجازاتی که به شاگردان خود داده است ثبت شده است.

مجلسی همچون شیخ صدوق تنها منبع علم را قرآن و سنت میدانست (مجلسی، ۱۴۰۳ الف، ج ۱: ۳) لذا عقل فلسفی را اساس نگارش هیچیک از آثار خود قرار نداده است و تصریح می کند که فلاسفه از قرآن و اهل بیت (ع) روی گردان شدند و به سراغ آثار فلاسفه قدیم رفته اند (مجلسی، ۱۴۰۴ ق ب، ۱: ۱۱۹)، اما نمی توان او را عقل ستیز دانست زیرا در شرح های عالمانه خود بر بسیاری از اخبار و روایات معصومان (ع) بر ادله عقلی استناد نموده و در موارد مختلفی از مبانی فلسفی بهره برده است. برای نمونه، در بحث توحید ذاتی، علاوه بر یگانگی خدا به جزء نداشتن خداوند اشاره نموده و به نفی جزء خارجی و ذهنی پرداخته و جنس و فصل را جزء ذهنی دانسته و از خدا نفی نموده است. (مجلسی، ۱۳۷۶: ۱۰۶)

از آن جایی که علامه همه احادیث کتب اربعه را حجت دانسته است؛ می توان او را اخباری گرا دانست، اما انتساب ایشان به اخباری، صحیح نمی باشد، زیرا: اولاً در رساله ثلاث خود به روش اعتدالی خود تصریح نموده است، ثانیاً علامه بر خلاف اخباریان اجتهاد را واجب کفایی و تقلید را برای غیر مجتهدان واجب دانسته است. (مجلسی، ۱۴۰۴ ق ب، ج ۱: ۹۸) ثالثاً، علامه بر خلاف اخباریان که دانش اصول فقه را تحریم می کنند، آن را از لوازم استنباط میدانند (حسینی لاهیجی، ۱۴۱۱ ق: ۱۰) و اجماع کاشف را نیز حجت دانسته و به آن استدلال نموده است (مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۴۱۳).

حیات القلوب، یکی از مهم ترین آثار فارسی علامه مجلسی است که با رویکرد تبلیغ دین و تثبیت باورها و انگاره های مذهبی شیعه در سه مجلد نگارش یافته است. جلد اول این کتاب تاریخ پیامبران الهی علیه السلام که شامل سی و هفت باب می باشد. جلد دوم این کتاب - که محل رجوع نگارنده این پژوهش است، در باب تاریخ زندگانی رسول خدا صلی الله علیه و آله، در شصت و پنج باب، بنابر روایات شیعی و به زبان فارسی و ساده با ذکر نسب رسول خدا (ص) آغاز و به وقایع پس از رحلت ایشان خاتمه یافته است و جلد سوم در موضوع امامت و زندگی ائمه دوازده گانه در دو باب نگارش یافته است. به طوری که باب اول را با نه فصل به جهت نیاز شیعه در دوره صفویه به امام شناسی اختصاص داده و در باب دوم با چهل و سه فصل به بیان آیات و تفسیر آن در مورد امامان شیعه پرداخته است.

حیات القلوب در مقایسه با کتب هم عصر خود در باب سیره رسول خدا (ص) به سه دلیل حائز اهمیت می باشد: اولاً؛ علامه در مقدمه این کتاب دلیل نگارش خود را «کتابی جامع در باب حضرت سید البشر صلی الله علیه و آله و دلایل امامت و خلافت و آداب پسندیده حضرات ائمه اثنا عشر و حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیهم اجمعین به زبان فارسی و ساده که برای عموم مردم قابل فهم

باشد) (مجلسی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۲)؛ بیان نموده است. ثانیاً؛ علامه تصریح نموده است، «کتاب‌هایی که تا آن زمان به زبان فارسی تألیف شده بود، بیشتر از روایات اهل سنت استفاده شده که بدون توجه به صحت یا عدم صحت سند محتوای آن نگارش یافته بود و در آن نسبت خطاها و لغزشهای عظیم به انبیای عظیم الشان و اوصیای جلیل القدر ایشان داده بود» (همان) و در ادامه مقدمه کتاب مذکور، علامه خود را مقید نمود تا «کتابی را بنابر ترجمه آن چه از احادیث اوثق و اقوی بوده باشد، تألیف نماید». (مجلسی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۳) ثالثاً؛ کتاب مذکور به طور مفصل و در یک مجلد و شصت و پنج باب به نگارش سیره پیامبر (ص) پرداخته در حالی که دیگر کتب فارسی سیره پیامبر (ص) که توسط علامه و یا نویسندگان دیگر نگارش یافته، فقط در یک فصل به طور مختصر به این امر اختصاص داده اند.

واژه «رویکرد» در لغت به معنای؛ نگرش، رهیافت، راهبرد و تلقی می باشد (حق شناس، ۱۳۹۰: ۵۵) و در اصطلاح یک طرح ذهنی نسبت به قضایا و امور مختلف است که بر اساس باورهای فرد و نوع ارتباطی که با موضوع پیدا می کند، ایجاد می شود (باقری، ۱۳۶۷: ۳۲). گروهی از پژوهشگران بر این عقیده هستند که دو واژه روش^۸ و رویکرد^۹ از مفاهیمی هستند که اگر با هم بیابند معنایشان متفاوت می شود؛ از این رو به شیوه تقرب و دستیابی به مطلب، «رویکرد» گفته می شود و به شیوه اثبات مطلب «روش» می گویند (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۲۴)؛ اما اگر جداگانه بکار برده شوند به یک معنا می باشند. (قراملکی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۵۴۹) اما اکثر محققان بر این اعتقاد هستند که رویکرد و روش متفاوت اند؛ زیرا روش مسیر مشخصی است که در علم تعریف شده است اما رویکرد، شخصی، انتخابی و مبتنی بر پیش فرض ها و اهداف محقق است. از اینرو می توان تصور کرد دو نفر در عین حالی که برای پژوهش های تاریخی از روش واحدی بهره می گیرند، از منظر رویکرد و نگرش متفاوت باشند. (یعقوب زاده، ۱۳۹۶: ۳۷) در این نوشتار منظور از رویکرد؛ نگرش خاص علامه مجلسی به سیره رسول خدا (ص) مبتنی بر باورها و پیش فرض های خویش است که موجب شده، سیره نبوی را با ویژگی های خاص و متمایز ارائه و تنظیم نماید.

۲- پیشینه پژوهش

از مطالعه و بررسی آثار علامه مجلسی پیداست که تا کنون اثری جامع در زمینه پژوهش حاضر،

^۸ Method .

^۹ Approach.

در کتاب حیات القلوب انجام نیافته است؛ اما تحقیقاتی پیرامون روش شناسی کلامی علامه وجود دارد که در زمینه تبیین رویکرد ایشان در کتاب حیات القلوب راهگشاست که به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

علی جابری در کتاب الفکر السلفی عند الشیعه الامامیه^{۱۰} خود تلاش نموده است جریان اخباری‌گری را راهی برای بازگشت به کتاب و سنت نشان داده و انتساب علامه به این جریان را بدیهی دانسته است که این اثر در شناخت رویکرد علامه راهگشاست اما به رویکرد شناسی ایشان در حیات القلوب اشاره ای ننموده است.

علی ملکی میانجی در کتاب «علامه مجلسی، اخباری یا اصولی؟»^{۱۱} به تبیین رویکرد مجلسی با توجه به شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در دوره صفویه پرداخته و مجلسی را اخبارگرای اصولی دانسته که با استفاده از آن می‌توان به نوع نگرش مجلسی در این دوره پی‌برد، اما رویکرد ایشان را در کتب سیره بررسی نکرده است.

حسن طارمی در کتاب علامه مجلسی^{۱۲} ضمن معرفی شخصیت و آثار مجلسی و جریان‌های غالب این عصر، به این نتیجه دست یافته که علامه با رویکرد کلامی خود همواره متأثر از این جریان‌ها به نگارش سیره معصومان (ع) پرداخته است اما به روش شناسی رویکرد ایشان در حیات القلوب اشاره ای ننموده است.

محمد عظیمی در کتاب راز پنهان روش شناسی کلامی علامه مجلسی^{۱۳} به بررسی روش شناسی کلامی علامه بصورت کلی پرداخته است و به این نتیجه رسیده که مجلسی، عرفان و تصوف رایج زمان خود را مردود دانسته، اما مبانی فکری و رویکرد کلامی او به سوی اصولیان و متکلمان عقل‌گرا بیشتر تمایل داشته است. در این مقاله رویکرد مجلسی در سیره پیامبر (ص) بررسی نشده است. دوایت. م. دونالدسن در کتاب مذهب شیعه^{۱۴} خود که از نخستین مطالعات غربیان در باب تشیع امامیه است؛ به تاریخ فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی شیعه با نگاه استشرافی به کتب روایی

۱۰ - جابری، علی، الفکر السلفی عند الشیعه الامامیه، انتشارات دار الاحیاء، ۱۴۰۹ ق

۱۱ - ملکی میانجی، علی، علامه مجلسی، اخباری یا اصولی، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۵ ش

۱۲ - طارمی، حسن، علامه مجلسی، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۵ ش

۱۳ - عظیمی، محمد، راز پنهان روش شناسی کلامی علامه مجلسی، انتشارات ادیان، ۱۴۰۰ ش

۱۴ - دوایت. م. دونالدسن، مذهب شیعه: تاریخ اسلام در ایران و عراق، ترجمه، عباس احمدوند، جلد اول، محمد قزوینی نظم آبادی، جلد دوم، پژوهشکده تاریخ سیره و اهل بیت (ع)، ۱۳۹۵ ش

متقدم شیعه؛ از جمله حیات القلوب، پرداخته است. مترجمان این اثر بنابر نقد اسلام پژوهی در غرب، در پاورقی‌ها و تعلیقه‌های آخر کتاب، به نقد و بررسی کتاب مذکور پرداخته‌اند که می‌تواند در تبیین کلام شیعه، موثر واقع شود؛ اما فقط برخی از اخبار و روایات حیات القلوب در این کتاب، بیان شده است.

بنابر فقدان پژوهش درباره واکاوی رویکرد مجلسی در نگارش سیره نبوی در کتاب حیات القلوب و چگونگی استفاده از گزاره‌های تاریخی و روایی شیعه و اهل سنت، در کتاب مذکور، ضمن بهره‌گیری از نتایج تحقیقات انجام شده به رویکرد شناسی مولف، با استناد به اخبار و گزارش‌های تاریخی در این کتاب پرداخته شده است.

۳- رویکرد روایی-تاریخی

سیره‌نگاران صفوی با رویکرد روایی-تاریخی، بنابر حفظ باورها و اعتقادات شیعی عصر خویش و بدون نشان دادن دیدگاه کلامی خاص به دلیل جمع‌آوری میراث مکتوب شیعه از خطر نابودی؛ با استفاده حداکثری از منابع متقدم شیعی و در برخی موارد روایات اهل سنت به نگارش سیره معصومان(ع) اهتمام داشته‌اند. به طوری که غالباً با تکیه بر اخبار تاریخی و روایات رسول خدا(ص) و امامان(ع) در منابع شیعی؛ بدون نقد و تحلیل و بررسی سندی، به بیان حوادث تاریخی پرداخته و فقط گزارش‌ها و روایاتی را مورد نقد و تحلیل قرار داده که در تعارض با باورها و روایات شیعه بوده‌اند. بنابراین سیره‌نویسانی که با رویکرد مذکور به نگارش سیره؛ اعم از سیره نبوی و یا سیره ائمه اطهار(ع) پرداخته‌اند؛ غالباً نقل محور و با اتکا به منابع و مصادر تاریخی شیعی به بیان واقعه تاریخی، بنابر قداست سخنان رسول خدا(ص) و امامان(ع) همت گماشته و در پی بیان گزارش‌های تاریخی و روایات معصومان(ع) بدون تحلیل خویش بوده‌اند. مهمترین شاخص‌های سیره‌نگاران این عصر، با رویکرد روایی-تاریخی را می‌توان حفظ میراث مکتوب شیعه، استفاده حداکثری از منابع متقدم شیعی در بیان روایات و گزارش‌های تاریخی با محوریت بر مناقب فضایل ائمه معصومان(ع) و خصوصاً اهل بیت و حضرت علی(ع)، برشمرد. برای نمونه، لاهیجی(۱۰۸۵ق)^{۱۵}

۱۵. برخی از نویسندگان در انتساب تذکره الائمه به مجلسی و لاهیجی تشکیک کرده‌اند. فهرست دنا (درایتی، ۱۰۵۱/۲۱۳۹۰-۱۰۵۲) مجموعاً ۹۴ نسخه از این اثر را به لاهیجی نسبت داده و ۱۶ نسخه را به مجلسی منتسب نموده است. محمدحسین خاتون‌آبادی نوه مجلسی و پدر وی محمد صالح، از ذکر این اثر در فهرست آثار علامه خودداری کرده‌اند (خاتون‌آبادی، ۲۵) و اقابزرگ معتقد است: تذکره الائمه در باب تاریخ

کتاب تذکره الائمه را با رویکرد مذکور، نگارش نموده است. به طوری که به ذکر روایات بدون ذکر سند و نظمی هدفمند، صرفاً در جهت بیان مناقب و فضایل بر مبنای سیره بسنده کرده است. چنان که در مقدمه به موضوعاتی چون؛ بشارت و خوشحالی مخلوقات مادی و غیر مادی به یمن ولادت رسول خدا(ص) و خلقت نوری ایشان و برتری آن حضرت بر همه مخلوقات اشاره می‌کند(لاهیجی، بی تا: ۵) و سپس در باب اول بر ولایت و امامت حضرت علی(ع) تأکید نموده و سپس روایاتی از قبیل؛ رشادت های حضرت علی(ع) در دفاع از رسول خدا(ص) و گریختن برخی از صحابه مشهور و پشت کردن به پیامبر(ص) را در واقعه جنگ احد(لاهیجی، بی تا: ۲۱) و سرداری و پرچم داری امام علی(ع) در اکثر غزوات پیامبر(ص) (لاهیجی، بی تا: ۲۲) را، بدون ذکر اسناد و سلسله راویان اخبار و روایات و هیچ گونه نقد و تحلیل و موضوع بندی خاص، نقل نموده و در سراسر کتاب، لاهیجی اینگونه به نقل صرف از منابع و مصادر بسنده نموده و فقط در شش مورد به ذکر اسناد روایت و در دو مورد به تحلیل روایت همت گماشته است.

۴- تبیین رویکرد کلامی - تاریخی علامه در حیات القلوب

رویکرد کلامی رویکردی متأثر از مسائل کلامی؛ از جمله مسائل مربوط به نبوت، بعثت، عصمت و ولایت بوده که مبنای حاکم بر آن نیز کلامی است. هدف علم کلام، اثبات اعتقادات و آموزه‌های دینی و دفاع از عقاید دینی است. (فیاض لاهیجی، ۱۴۲۶ق، ج: ۱، ۷۳؛ فارابی، ۱۹۹۶ م: ۷۶-۷۷)

سیره‌نگاری با رویکرد کلامی - تاریخی که رویکردی تلفیقی است؛ به مولف این امکان را می‌دهد که در نگارش سیره، همراه با پایبندی به روایات تاریخی و استفاده حداکثری از منابع روایی، بر مبنای باورهای کلامی خویش، آن را تنظیم میکنند و روایات را دچار بسط و قبض می‌کنند. این رویکرد از سوی کسانی پیگیری می‌شود که به زندگی پیامبر(ص) هم نگاه تاریخی دارند و هم آن را یک منبع معرفتی می‌دانند؛ از این رو تلاش دارند با روش های تاریخنگاری اسلامی به سیره‌نگاری بپردازند و در عین حال در نقل روایات معصومان(ع) و گزارش های تاریخی به اثبات و تبیین عقاید کلامی نیز اهتمام می‌ورزند.

ائمہ معصومان (ع) نوشته ی محمدباقر بن محمد تقی لاهیجی به در سال ۱۰۸۵ قمری به زبان فارسی است (تهرانی، ۲۶/۴) و سیدمحسن امین نیز این کتاب را به لاهیجی نسبت داده و تصریح می‌کند: محمدباقر بن محمدتقی لاهیجی از معاصران مجلسی است و تذکره الائمه را در سال ۱۰۸۵ نگاشته‌است؛ اگر چه گروهی به دلیل تشابه اسمی این کتاب را به مجلسی نسبت داده‌اند (امین: ۹/ ۱۸۵). در حالی که محمد حسین حسینی جلالی در فهرست التراث (حسینی جلالی، ۲/ ۲۴) این کتاب را به مجلسی نسبت داده است.

مجلسی در حیات القلوب با استفاده از گزاره های کلامی در قالب اخبار و روایات و بر پایه اعتقادات کلامی شیعی عصر خویش، بنابر نیاز مردم به آموزه های دینی؛ با رویکرد کلامی - تاریخی به نگارش سیره نبوی، اهتمام نشان داده است. در این جا، با واکاوی موضوعات اصلی کتاب مذکور و انطباق آن بر مولفه های رویکرد کلامی - تاریخی، گزارشها و روایات تبیین کننده رویکرد علامه مجلسی در این کتاب، معرفی و بررسی خواهد شد.

۱-۴- تکیه بر منابع شیعی

یکی از ویژگیهای عمده آثار صفوی، نسبت به دوره های پیشین، استفاده حداکثری مولفین کتب سیره معصومان (ع) از منابع و مصادر شیعی بوده است. مجلسی جهت بازنویسی تاریخ رسول خدا (ص) در حیات القلوب بر پایه منابع و مصادر شیعه اهتمام داشته و در مقدمه حیات القلوب، تصریح نموده که در نگارش این کتاب از منابع شیعی استفاده کرده است، زیرا؛ اولاً؛ تاریخ زندگانی رسول خدا (ص) از خطاها و نقیصه های کتب فارسی قبلی که از کتب مخالفین نوشته شده بود، تنزیه گردد، ثانیاً؛ از احادیث معتبر و قوی در نگارش بهره برده تا برای عموم مردم قابل فهم باشد. (مجلسی، ۱۳۸۹ د: ج ۱: ۲۰)

از آن جایی که علامه منابع خود را اینگونه به منابع شیعی و مخالفان تفکیک نموده است، پیداست که به منابع غیر شیعه اعتماد چندانی نداشته است. چنان که در جلد نخست بحار الانوار تصریح می کند: « تنها منشأ زلال علم، قرآن و اخبار اهل بیت (ع) است. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق الف، ج ۱: ۳)

از احصاء حیات القلوب، برمی آید؛ ؛ علامه سیره رسول خدا (ص) را با استناد بر یک هزار و نهصد و چهل و شش روایت را از منبع شیعی و یکصد و هشت روایت، از منابع اهل سنت به نگارش در آورده است. به طوری که با احتساب منابع پرتکرار، در کتاب مذکور، مشخص می گردد که این مولف دویست و پنجاه و چهار روایت را از شیخ کلینی و یکصد و هشتاد و نه روایت را از شیخ صدوق و یکصد و هفتاد و نه روایت را از ابن شهر آشوب و یکصد و شصت و دو روایت را از راوندی و یکصد و ده روایت را از شیخ طبرسی و نود و هشت روایت را از شیخ مفید، ذکر نموده است. (مجلسی، ۱۳۷۸ د، ج ۲: ۲-۷۰۳)

بنابر مطالبی که گذشت، اثبات گردید که علامه در نگارش این کتاب، از منابع و مصادر متقدم شیعه بیشترین روایت را ذکر نموده است؛ زیرا ایشان معتقد بوده است که روش محدثان متقدم که به عصر امامان (ع) نزدیکتر بوده اند، از روش متأخران صحیح تر است؛ زیرا آنان برای قطعی الصدور بودن روایات قرآینی داشته اند (مجلسی ۱۴۰۶ ق ج، ج ۱: ۲۶) و از طرف دیگر علامه در استناد به

اصول اربعمائه^{۱۶} به دلیل این که عالمان شیعه همواره، بر اعتبار و صحت روایات کتب اربعمائه؛ بنا بر نقل بدون واسطه از امامان(ع) تأکید داشته اند، اهتمام نشان داده است. (بحرانی، ۱۴۰۵ ق، ج: ۱۷)

از آن جایی که علامه به سیره معصومان(ع) به عنوان یک منبع معرفتی مهم باور داشته است؛ لذا با استفاده حداکثری از منابع روایی شیعه، در پی ثبت و ضبط روایات پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) بوده است و به همین سبب در نگارش حیات القلوب در برخورد با احادیث معصومان(ع) احتیاط بسیاری را لحاظ نموده و بدون دلیل کافی و متقن، هیچ حدیثی از ائمه(ع) را انکار و نفی نمی کند؛ لذا درباره احادیثی که قرائن و دلایل کافی در رد آن ها را ندارد توقف نموده و علمش را به اهل بیت و می گذارد. به عنوان نمونه در باب سی و پنجم در بیان مبارزه حضرت علی(ع) و عمرو بن عبدود و قصه فریب دادن عمرو توسط امیر مومنان(ع) مینویسد: «این روایت در منابع دیگر نیست و اکثر مورخان عامه نیز آن را نقل نکرده اند، اما بنا بر اینکه علی بن ابراهیم آن را ذکر نموده بود، بیان نمودم». (مجلسی، ۱۳۷۸، د، ج: ۲: ۴۰۱)

علامه در مقدمه بحار الانوار، در توجیه استفاده از منابع اهل سنت، می نویسد: «اما آثار مخالفان، تنها برای تصحیح الفاظ خبر و شناخت معانی به آنها رجوع نموده ایم و البته گاه برای رد بر ایشان با بیان مورد تقیه یا تأیید آن چه از طرق ما روایت شده، اخباری از آثار ایشان نقل کرده ایم». (مجلسی، ۱۴۰۳ ق الف، ج: ۱: ۲۴) چنان چه در حیات القلوب نیز در نگارش سیره رسول خدا(ص) به غیر از منابع و مصادر شیعی، با نگاه کلامی نسبت به منابع و روایات اهل سنت، غالباً جهت اثبات و تبیین حقانیت و برتری اهل بیت(ع)، خصوصاً حضرت علی(ع) در برابر خلفا، به مثابه ابزاری برای تحکیم روایات شیعی استفاده نموده و در صورت معارض نبودن با روایات شیعی، گواهی از منابع اهل سنت آورده است؛ به طوری که در بیان ماجرای فدک ابتدای روایاتی را از علمای شیعه بیان می کند و سپس در تحکیم و تقویت آن ها روایتی را از ابن ابی الحدید بر این مضمون آورده که آیا حضرت فاطمه(س) را در فدک حقی نبود و ابوبکر و عمر نمی توانستند از مسلمانان طلب کنند که فدک را به حضرت فاطمه(س) بگذارند؟ آیا مسلمانان در این باب مضایقه می کردند؟ (مجلسی، حیات القلوب، ۱۳۷۸: ۲ / ۳۵۳) و در باب ثبات قدم امیر مومنان(ع) در جنگ احد، از شیخ طوسی روایت می کند «در روز احد چون مسلمانان گریختند باد تندی وزید و صدای هانقی را شنید که می - گفت: لا سیف الا ذوالفقار و لا فتی الا علی فاذا ندبتم هالکا فابکوا الوفی اخا الوفی (شیخ طوسی،

۱۶ - در عصر امامان(ع) چهارصد کتاب حدیثی تدوین شده که اصول اربعمائه اطلاق می شوند.

امالی، ۱۴۳؛ مجلسی، حیات القلوب، ۱۳۷۸: ۲/ ۶۹۷) و جهت تأیید روایت فوق و احتجاج بر اهل سنت، به نقل از ابن ابی الحدید می نویسد: «خلافی نکرده اند که علی (ع) در آن جنگ نگریخت» (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ۱۵ / ۵۴) و به نقل از ابن ابی الحدید، ابن اثیر و فخر رازی نیز روایت می کند: «اتفاق کرده اند بر آن که عثمان در این جنگ گریخت و به «اعوص» رفت و بعد از سه روز پیدا شد و حضرت به او فرمود: خوش پهناور گریختی؟» (مجلسی، حیات القلوب، ۱۳۷۸: ۲/ ۳۷۸ به نقل از ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ۱۵ / ۱۹؛ تفسیر فخر رازی: ۹ / ۵۰؛ کامل ابن اثیر: ۲ / ۱۵۸)

بنابراین، علامه بنابر رویکرد کلامی خود در بیان سیره نبوی در حیات القلوب در مواردی که در نظر داشته است، حقانیت اهل بیت خصوصاً حضرت علی (ع) را در برابر قدح مخالفان تبیین نماید، به غیر از منابع شیعی به منابع و روایات اهل سنت نیز استناد داده تا نشان دهد، مخالفان تشیع هم در تأیید گزارش های کلامی شیعه اخبار و روایاتی دارند که موید روایات شیعه می باشد و اما در مواردی که به دنبال جمع آوری احادیث و نشر روایات شیعه از ترس نابودی آن بوده است غالباً به منابع روایی شیعه استناد داده است.

۲-۴- بیان نظریه خلقت نوری پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع)

خلقت نوری معصومان (ع) یکی از موضوعات کلامی مهم از صدر اسلام تا کنون بوده و همواره در منابع حدیثی متقدم شیعه مورد توجه قرار گرفته است. جمع کثیری از علمای امامیه در مواجهه با روایات عوالم پیشین، خلقت نوری پیامبر اکرم (ص) و سایر معصومان (ع) را مقدم بر خلقت تمامی ممکنات دانسته اند. به طوری که معتقدند؛ ائمه اطهار (ع)، انوار مقدسی هستند که از ازل تا ابد، با مجرای علم خداوند جهت هدایت انسانها خلقت یافته اند. (امداد توران، ۱۳۹۸: ۱۸) متکلمان شیعی از احادیث خلقت نوری در جهت تبیین آموزه های شیعی؛ خصوصاً مسئله امامت و ولایت، استفاده نموده اند.

در این میان مجلسی در زمینه شناساندن نظریه نور محمدی به عنوان یکی از مبانی کلام شیعه، بدون هیچ گونه بسط و قبضی در استفاده از اخبار و روایات معصومان (ع) به نگارش کتاب مذکور پرداخته است. به عنوان نمونه از امام صادق (ع) روایت می کند که فرمود: «ما شبیحی چند بودیم از نور در دو عرش الهی و تنزیه حق تعالی می نمودیم، پیش از آن که خدا آسمان و زمین و روشنی و آدم را خلق نماید و چون حق تعالی آدم را خلق کرد ما را در صلب او قرار داد و پیوسته ما را از پشت طاهری به رحم پاکیزه ای نقل می نمود تا حق تعالی محمد صلوات الله علیه و آله را مبعوث

گردانید» (مجلسی، ۱۳۷۸ د، ج ۲: ۳ به نقل از فرات کوفی، تفسیر، ۵۵۲) و در روایتی دیگر منقول از امام سجاد (ع)، آورده است که «حق تعالی محمد و علی و یازده امام از ذریه ایشان را از نور عظمت خود آفرید، پس ایشان در پرتو نور خدا او را تسبیح و تقدیس می گفتند و عبادت می کردند قبل از آن که احدی از خلق را بیافریند». (مجلسی، ۱۳۷۸ د، ج ۲: ۶؛ به نقل از شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه: ۳۱۸) همچنین به نقل از شیخ صدوق می نویسد: امام صادق (ع) فرمود: محمد و علی دو نور بودند نزد خداوند عالمیان دو هزار سال پیش از آن که حق تعالی خلایق را ایجاد فرماید، پس چون ملائکه آن دو نور را دیدند، یکی را اصل یافتند و از آن شعاعی لامع شده بود که فرع آن بود و خداوند در پرسش آن ها از این نور، فرمود: این نوری است از نورهای من که اصلش پیغمبری است و فرعش امامت است و اگر ایشان نمی بودند هیچیک از خلق را نمی آفریدم. (مجلسی، ۱۳۷۸ د، ج ۲: ۶؛ به نقل از صدوق، علل الشرایع، ۱۷۴)

از بررسی منابع مورد استناد علامه در روایات فوق الذکر پیداست که این مولف جهت تبیین یکی از باورهای کلامی شیعه فقط به نقل صرف و بدون هیچ گونه نقد و تحلیلی به بیان افضلیت و برتری پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)؛ خصوصاً حضرت علی (ع) در برابر مخالفان و مدعیان دروغین آنان، اهتمام نشان داده است.

۳-۴ - استناد به مصادیق ارهاص^{۱۷} در ولادت پیامبر اکرم (ص)

در کتب تاریخی و سیره‌نگاری متقدم شیعه و اهل سنت، اخبار و روایات در باب حوادث خارق العاده ای که همزمان با ولادت رسول خدا (ص) اتفاق افتاده است، به چشم می خورد؛ اما کثرت استفاده از این اخبار در این اثر علامه مجلسی تثبیت و تایید ولایت تکوینی است که از آموزه های کلامی شیعه می باشد. لذا با استفاده از مصادیق ارهاص، جهت نشان دادن چهره واقعی صوفیان، به تبیین فضایل و کرامات حقیقی، غیر اکتسابی و ذاتی رسول خدا (ص) در حیات القلوب اهتمام ویژه ای از خود نشان داده است و اخبار و روایات بیشماری را در باب رخدادهای هنگامه ولادت پیامبر (ص) ذکر نموده است.

به عنوان نمونه؛ به سند معتبر از امام صادق (ع) روایت می کند: «صبح آن روز که حضرت متولد

^{۱۷} -وقوع کارهای خارق العاده ای است که قبل از ادعای نبوت و برای مقدمه چینی آن اتفاق می افتد (فیاض لاهیجی، ۱۳۷۲، ش، ۹۴)

شد هر بتی که در هر جای عالم بود سرنگون شد و ایوان کسری یعنی پادشاه عجم لرزید و چهارده کنگره آن افتاد و در یاچه ساوه که آن را می‌پرستیدند فرو رفت و خشک شد و آتشکده فارس که هزار سال خاموش نشده بود، در آن شب خاموش شد و ...» (مجلسی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۵۵، به نقل از شیخ صدوق، امالی: ۲۱۷) و «با تولد آن حضرت، جمیع دنیا در آن شب روشن گشت و هر سنگ و کلوخی خندید و آنچه در آسمان ها و زمین بود تسبیح خدا گفت و شیطان گریخت و می گفت که بهترین خلایق و بزرگترین عالمیان محمد است» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۱: ۵۸؛ مجلسی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۵۵) و از امام صادق (ع) روایت کرده است که آمنه گفت: والله چون پسر من رسید، دستها را بر زمین گذاشت و سر بسوی آسمان بلند کرد و به اطراف نظر کرد و پس از او نوری ساطع شد که همه چیز را روشن کرد و صدایی شنیدم که می گفت: زاییدی بهترین مردم را پس او را محمد نام کن. (مجلسی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۵۵، به نقل از کلینی، کافی، ۳۰۰/۸)

مجلسی با استناد بر اخبار و روایات ائمه اطهار(ع)، به بیان مصادیق ارهاص در هنگامه ولادت رسول خدا(ص) پرداخته و ضمن روایت تاریخ به تبیین مقام نبوت نیز همت گماشته است.

۴ - ۴ - تأکید بر موحد بودن اجداد پیامبر(ص)

اعتقاد بر موحد بودن اجداد و نیاکان پیامبر(ص) یکی از باورهای مهم کلامی شیعه می باشد که در اغلب آثار و کتب روایی متقدم شیعی و برخی از منابع اهل سنت، بوضوح تصریح شده است. در برخی کتب تاریخی آمده است که مردم عبدالمطلب را ابراهیم ثانی لقب داده بودند. (یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۱۱)؛ حلی، ۱۰۴۸، ق: ۱۳۶) در این میان علامه مجلسی با بهره گیری از اخبار و روایات معصومان(ع) در منابع شیعه و اهل سنت بر این باور شیعه تأکید می کند و در باب احوال عبدالمطلب در حیات القلوب، می نویسد: «پدر و مادر رسول خدا(ص) و جمیع اجداد و جدات آن حضرت تا آدم همه موحد بوده اند» (مجلسی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۸، به نقل از طبرسی، مجمع البیان: ۴/ ۸۹ و مفید، تصحیح اعتقادات امامیه، ۱۳۹) و روایت می کند، «اجداد آن حضرت همه انبیا و اوصیاء و حاملان دین خدا بوده اند؛ فرزندان اسماعیل که اجداد آن حضرتند اوصیای حضرت ابراهیم (ع) بوده که از بنیانگذاران مکه بوده اند» (مجلسی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۸، به نقل از طبری، تاریخ الامم و الملوک، ۲/ ۲۵۱؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱: ۶۳؛ بلاذری، انساب الاشراف: ۱/ ۶۰) و حافظان شریعت موسی و عیسی بودند و آثار انبیا را به یکدیگر می سپردند تا به عبدالمطلب و سپس به ابوطالب رسید و ابوطالب کتب و آثار انبیا و ودایع ایشان را بعد از بعثت تسلیم رسول

خدا(ص) نمود. (مجلسی، ۱۳۷۸ د، ج ۲: ۱۸)

همچنین علامه در تصریح موحد بودن اجداد رسول خدا(ص) بر خلاف ابن هشام که در زمینه جریان نذر قربانی کردن فرزند عبدالمطلب، می نویسد: عبدالمطلب بنا بر نگرانی از قربانی شدن فرزندش به بت هبل پناه برده و در پیشگاه آن به دعا پرداخته است (ابن هشام، ۱۹۵۵ م، ج ۱: ۱۵۴)؛ علامه در حیات القلوب در این زمینه می نویسد: «از کردار عبدالمطلب معلوم می شود که نذر قربانی کردن فرزند در شریعت ابراهیم(ع) سنت بوده است و محتمل است که این مخصوص عبدالمطلب بوده و به آن ملهم شده باشد». (مجلسی، ۱۳۷۸ د، ج ۲: ۲۷)

بنابراین علامه جهت تأکید بر موحد بودن اجداد پیامبر(ص) از احادیث متواتر شیعه و اهل سنت، بهره برده است تا به کسانی که مخالف این باور شیعه هستند، نشان دهد که اهل سنت نیز در تأیید اخبار کلامی شیعه روایاتی دارند که موید روایات شیعی می باشد.

۵-۴ - تأکید بر عصمت پیامبر(ص)

عصمت انبیا(ع) از مسائل مهم کلامی شیعه می باشد؛ لذا در کتب متقدم حدیثی شیعه و اهل سنت، موضوع سهوالنبی مورد توجه قرار گرفته است.^{۱۸} اندیشمندی چون شیخ صدوق و شیخ مفید در این باب، مواضع متفاوتی بر اساس روایات معصومان(ع)، از خود نشان داده اند. علامه مجلسی در بحارالانوار با ذکر دلایلی تصریح نموده که شیخ صدوق قائل به اسهائ النبی می باشد و با استفاده از روایات شیعه و اهل سنت و بررسی سندی و دلالی به بطلان سهوالنبی تأکید نموده است (مجلسی، ۱۴۰۳ ق الف، ج ۱۷: ۱۲۲)، و در حیات القلوب نیز در بیان عصمت پیامبر(ص) می نویسد: «اجماع علمای امامیه برآن است که آن حضرت از وقت ولادت تا وفات، از گناهان کبیره و صغیره؛ عمدا، سهوا و خطاء معصوم بود؛ گرچه ابن بابویه و برخی محدثین تجویز کرده اند که حق تعالی برای مصلحت، آن حضرت را سهوی بفرماید در نماز یا در غیر آن، به غیر آنچه متعلق به تبلیغ رسالت باشد که در آن به هیچ وجه جایز نیست ولیکن معظم علمای امامیه سهو و نسیان را بر آن حضرت روا نداشته اند و احادیثی که بر وقوع آن دلالت می کند را حمل بر تقیه کرده اند». (مجلسی، ۱۳۷۸ د، ج ۲: ۱۴۸) بدین ترتیب علامه با ارائه دلایلی بر مبنای استناد به آیات قرآن کریم و روایات شیعه و اهل سنت به بطلان سهو النبی تصریح نموده است، تا در این اثر خود نیز به تبیین عصمت پیامبر(ص) به عنوان یکی از مولفه های کلام شیعه بپردازد.

۱۸- آقابزرگ تهرانی به ذکر آثارمقدمین در باب سهوالنبی پرداخته است (آقابزرگ، ۱۴۰۳ ق: ۱۲/ ۲۲۶)

۶-۴ - تأکید بر ماهیت علم معصومان (ع)

ائمه معصومان (ع) مخازن علم الهی هستند. امام صادق می فرماید: نحن ولاة امر الله و خزنة علم الله و عیبه و حی الله^{۱۹} (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۹۲). قلمرو علم ائمه (ع) بر درس، تکرار، قیاس و حدس و گمان متوقف نمی شود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۷۶). زیرا علم اهل بیت و امامان (ع)، حضوری و لدنی است. (فیض کاشانی، ۱۳۹۳: ۴۸۰)

گستره علم ائمه اطهار (ع) و علم امام از آغاز پیدایش موضوع امامت، از دغدغه‌های امامیه و از مقولات بحث انگیز دانش کلام بوده است، لذا مسئله علم امام از همان ابتدا در مکاتب شیعی از ویژگی امام دانسته شده است و همه مکاتب شیعی از مکتب کوفه تا مکتب اصفهان بر علم امام پافشاری داشته‌اند؛ با وجود این در این باره اختلاف نظر نیز دارند. عالمان شیعی به متعلق علم امام در تشریح اذعان دارند اما در حوزه ولایت تکوینی مختلف القول هستند. شیخ مفید و شاگردان او علم امام را در مقام تشریح پذیرفته‌اند و معتقدند، علم برای امام همانند عصمت، یک ضرورت است و تصریح می‌کند که امامیه اتفاق نظر دارند بر اینکه امام باید معصوم و آگاه به تمام علوم و دانش دین باشد و در فضل به کمال رسیده باشد (مفید، ۱۴۱۴ ق: ۳۹) اما در جایگاه تکوین، با اینکه علم امام را از محدوده علم بشری خارج می‌دانند، اما علم غیب نامحدود ایشان را نمی‌پذیرند و اذعان می‌نمایند که چنین علمی فقط مخصوص خداوند می‌باشد. (مفید، ۱۴۱۴ ق: ۷۷)

مجلسی برخلاف شیخ مفید که به علم امام در زمینه تشریح، معتقد بوده است؛ به علم امام (ع)، در زمینه تشریح و تکوین، اذعان داشته و روایت‌هایی را در حیات القلوب بیان نموده که نشانگر این باور کلامی او است، تا نشان دهد علم لدنی پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) از ویژگی‌های اصلی و مهم آنان بوده و بدین وسیله در نظر داشته است. غالباً با بهره‌گیری از روایات در منابع متقدم شیعی و بدون هیچ‌گونه بسط مفهومی و نقد و تحلیل، به حقانیت ولایت و رهبری رسول خدا (ص) و امامان (ع) خصوصاً حضرت علی (ع) در برابر خلفای سه‌گانه صحه گزارد، لذا به نقل از کلینی روایت می‌کند که امام صادق (ع) فرمود: «حق تعالی به حضرت رسول (ص) علم گذشته و آینده را تا روز قیامت داد و آن علم به ما رسیده است» (مجلسی، ۱۳۷۸، د، ج ۲: ۱۵۳ به نقل از کافی، ۱ / ۲۶۰) و به نقل از علی بن ابراهیم در زمینه علم پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) می‌نویسد: «رسول خدا (ص) بهترین راسخان در علم بود و حق تعالی او را تعلیم کرده بود و جمیع آن چه بر او فرستاده

بود از تنزیل و تأویل قرآن، و نبود آن که خدا چیزی را بر او نازل گرداند و تأویل آن را به او تعلیم ننماید و اوصیای آن جناب بعد از او همه علم او را می دانند». (مجلسی، ۱۳۷۸، د، ج ۲: ۱۴۸ به نقل از علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ۱ / ۹۶) همچنین از ابن بابویه، روایت می کند که پیامبر (ص) در روزهای آخر زندگی اسراری را با علی (ع) در میان گذاشتند. علی (ع) در پاسخ به پرسش صحابه از چرایی این راز فرمود: «پیامبر (ص) هزار باب از علم به من تعلیم نمود که از هر بابی هزار باب باز می گردد». (مجلسی، ۱۳۷۸، د، ج ۲: ۶۸۴ به نقل از صدوق، خصال، ۶۴۲) و در روایتی دیگر، پیامبر (ص) در باره رخدادهایی که تا روز قیامت رخ خواهد داد، به علی (ع) فرمود: «هیچ گروهی از مردم نیستند، مگر آنکه می دانم که محق ایشان و گمراه ایشان کیست». (شیخ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۴۵۳؛ ۶۹۰: ۲: ۱۳۷۸، مجلسی)

همچنین مجلسی واقعه مباحله را به نقل از شیخ صدوق (صدوق، ۱۳۸۴، ب: ۳۶۲) بیان نموده و بنا بر رویکرد کلامی خود و تبیین ماهیت علم رسول خدا (ص)، در تشریح این قصه تأکید می کند: «اگر حضرت وثوق تمام بر حقانیت خود نمی داشت با این جرات اقدام به مباحله نمی نمود و عزیزترین اهل خود را به همراه نمی بردند». (مجلسی، ۱۳۷۸، د، ج ۲: ۵۲۴)

بنابراین علامه با ذکر این روایات در صدد اثبات ماهیت و گستره علم رسول خدا (ص) و اهل بیت (ع) بوده و از این طریق به تبیین یکی از مسائل بنیادین و بحث بر انگیز کلام شیعه، اهتمام نشان داده است.

۷-۴ - تبیین گستره تبری و تولی

یکی از اصطلاحات کلامی و آموزه های اعتقادی در دین اسلام «تبری» می باشد که همواره در کنار «تولی» جایگاه ویژه ای در مذهب شیعه داشته و جز در موارد تقیه، قولاً و عملاً واجب می باشد (مفید، ۱۴۱۴ ق: ۳۵). چنان چه مرحوم شهیدی معتقد است: پیدایش شیعه گری با تولاست و تکاملش با تبری است (شهیدی، ۱۳۸۲: ۵). در دوره های برخی از حکومت های شیعی مذهب، چون: آل بویه و فاطمیان، در آثار مولفین شیعی شواهدی مبنی بر تبری جستن از دشمنان قابل مشاهده می باشد. (ابن جوزی، ۱۴۱۸، ق، ج ۱۴: ۱۵۰-۱۵۱؛ ابن خلکان، ۱۳۹۸، ج ۱: ۴۰۷؛ مقریزی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۴۲؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۸: ۵۴۲)

در عصر صفوی بنا بر حمایت های حاکمان صفوی در نشر فرهنگ شیعه و از بین رفتن بسیاری از محدودیت هایی که سیره نگاران پیشین با آن مواجه بودند؛ باعث شد علمای شیعه در آثار خود با

تبری جستن از مخالفان تشیع، به بیان دیدگاه خود درباره پیامبر(ص)، صحابه و قدح خلفا با استناد به سخنان پیامبر(ص)، پیردازند. در این میان علامه مجلسی نیز به جهت ترویج مذهب شیعه و دفاع از اعتقادات امامیه، خصوصا مسئله امامت و ولایت که از باورهای مهم کلامی شیعیان می باشد؛ در نگارش سیره نبوی در حیات القلوب، از هیچ کوششی دریغ ننموده و بر خلاف مکتب کلامی بغداد به توسیع مفهومی تبری در مکتب اصفهان اهتمام داشته است. به عنوان نمونه؛ به نقل از شیخ مفید می نویسد: «رسول خدا اسامه بن زید را امیر کرد و لشکری از منافقان، اهل فتنه و غیر ایشان برای او ترتیب داد و امر کرد که با اکثر صحابه بیرون رود به سوی روم و به موضعی که پدرش شهید شده بود و هدف ایشان از فرستادن این لشکر آن بود که مدینه از اهل فتنه و منافقان خالی شود و کسی با امیرالمؤمنین (ع) منازعه نکند تا امر خلافت بر آن حضرت مستقر گردد و مردم را مبالغه بسیار می فرمود در بیرون رفتن و اسامه را به حرب فرستاد و برخی را برای بیرون راندن مردم تعیین نمود. پیامبر(ص) امر کرده بود که ابو بکر و عمر با لشکر اسامه بیرون روند، در این وقت از سخنان عایشه و حفصه خبر یافت که ایشان برای فتنه و فساد به مدینه برگشته اند، بسیار غمگین شد که مبادا ابو بکر یا عمر با مردم نماز کنند که این باعث شبهه مردم شود. سپس پیامبر(ص) فرمود روانه کنید لشکر اسامه را و بیرون روید با این لشکر و خدا لعنت کند کسی را که تخلف نماید و سه مرتبه این سخن را فرمودند و مدهوش شدند به سبب اندوهی که از نیت های فاسد آنان دانست». (مجلسی، ۱۳۷۸، د، ج ۲: ۶۷۹ به نقل از مفید، الارشاد، ۱/۱۸۰ و ۱۸۱)

در حالی که شیخ مفید روایت مذکور را اینگونه ذکر نموده است که «سپس پیامبر(ص)، اسامه پسر زید بن حارثه را به سرکردگی لشکری گماشت و فرمان داد با مردم مسلمان به همان جا که پدرش کشته شده برای جنگ با دشمنان دین به سوی روم برود و رأی ایشان این بود که گروهی از بزرگان مهاجر و انصار را در لشکر او بفرستد تا هنگام مرگش کسی در باره زمامداری اختلاف نکند و طمع به پیشوایی مسلمانان نبندد و راه را برای آن کس که به جانشینی گماشته بود، هموار سازد و کسی با او به نزاع برنیاید، پس پرچم سرداری جنگ را چنانچه گفته شد به نام اسامه بست و در باره بیرون کردن آنان از مدینه سفارش فرمود و به اسامه دستور داد با لشکر خویش از مدینه بیرون رود و مردم را به بیرون رفتن و همراه اسامه برانگیخت و از درنگ کردن در مدینه و همراهی نکردن با اسامه بر حذر داشت. پس از سه روز درباره امامت نماز اختلاف شد و پیامبر(ص) از سخنان عائشه و حفصه دانست که ابوبکر و عمر بازگشته اند، پس برای جلوگیری از فتنه و شبهه به دشواری به نماز رفت. پس از نماز از این دو نفر پرسید چرا بازگشته اید و آنان انگیزه خود را گفتند و پیامبر(ص)

فرمودند بیوندید به لشکر اسامه و از آن باز نمانید، بیوندید به لشکر اسامه، و سه بار این سخن را فرمودند و آنگاه به واسطه رنجی که از رفتن مسجد به او رسیده بود و از اندوه بسیاری که باو دست داده بود از هوش برفت». (مفید، ۱۴۱۳ ق ب، ج ۱: ۱۸۰-۱۸۱)

در روایت شیخ مفید سخنی از لعنت فرستادن به کسانی که از لشکر بازگشته‌اند نیست. بنابراین می‌توان گفت مجلسی به گسترش دامنه تبری و تولی پرداخته است. همچنین علامه در بیان روایت دوات و قلم که در منابع معتبر شیعه و اهل سنت، به طرق گوناگون ذکر گردیده‌است، می‌نویسد: «پیامبر(ص) در آخرین روزهای عمر خویش در میان مسلمانان فرمود: بیاورید از برای من دوات و کتف گوسفندی تا بنویسم از برای شما نامه ای که گمراه نشوید هرگز. پس یکی از صحابه برخاست که اجابت کند و عمر گفت: برگرد که این مرد هذیان می‌گوید و بیماری بر او غالب شده است و ما را کتاب خدا بس است و اختلاف نمودند در بین خود و بار دیگر پرسیدند که آیا بیاوریم آنچه طلب فرمودی یا رسول الله؟ فرمود: بعد از این سخنان که از شما شنیدم مرا حاجتی به آن نیست ولیکن وصیت می‌کنم شما را که با اهل بیت من نیکو سلوک کنید و رو از ایشان نگردانید». (مجلسی، ۱۳۷۸ د، ج ۲: ۶۸۰ به نقل از شیخ مفید، الارشاد، ۱/۱۷۹؛ بخاری، ۱۴۰۷ ق، فصل سوم: ۳۹؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ ق: ۳۶)

مجلسی در بیان این روایت، به غیر از منابع متقدم شیعه، به منابع متقدم اهل سنت نیز استناد داده است تا قبح مخالفان تشیع؛ خصوصاً خلفای سه گانه را با استفاده از روایات صحاح سته، نیز تبیین نماید و سپس، در شرح این روایت به تبری از دشمنان امامیه پرداخته و می‌نویسد: «آیا بعد از این حدیث که همه عامّه روایت کرده‌اند هیچ عاقل را مجال آن هست که شك کند در کفر عمر و کفر کسی که عمر را مسلمان داند. اگر بقالی یا علفی خواهد که وصیت کند، کسی مانع وصیت او شود، مردم بر او طعن‌ها می‌کنند، هرگاه رسول خدا (ص) خواهد وصیتی کند که صلاح جمیع امت در آن باشد و کسی مانع او شود، در چنان حالی آن حضرت را آزرده کند و نسبت هذیان به آن حضرت دهد، چگونه خواهد بود حال او؟ و حال آنکه حق تعالی می‌فرماید «وَمَا يَنْطَلِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» ... و برای آنکه مبدا امر خلافت امیرالمؤمنین را واضح‌تر گردانند، در همه احوال حضرت داند که غرض ایشان آن است که بعد از آن حضرت انتقام او را از اهل بیت او بکشند، پس لعنت خدا و رسول بر ایشان باد و به هر که ایشان را مسلمان داند و هر که در لعن ایشان توقف نماید.» (مجلسی، ۱۳۷۸ د، ج ۲: ۶۸۰)

بنابراین علامه با استناد بر اخبار و روایات در منابع شیعه و اهل سنت و بسط مفهومی روایات مذکور پرداخته و با نقد و تحلیل خود، با تبری جستن از مخالفان تشیع، به دنبال اثبات حقانیت پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) در مقابل قبح مخالفانشان بوده است.

۸-۴ - دفاع از اندیشه امامت منصوص

در منابع متقدم امامیه، تأکید فراوانی در باب نصب الهی امام (ع) با استناد به آیات و روایات شده است. به طوری که مطابق این آیات، خداوند، پیامبر (ص) و امام (ع) را خلیفه خود بر زمین معرفی نموده و تعیین امام (ع) را همانند پیامبر (ص) به انتصاب الهی دانسته است. همچنین، روایاتی که بر اثبات فضایل، مناقب، خلافت، امامت، وصایت و ولایت ائمه اطهار (ع) دلالت دارند، امامت منصوص را اثبات می کنند. لذا اندیشه نص امامت، در مقابل اندیشه انتخاب امامت، از مبانی اندیشه کلام سیاسی شیعه است. علامه مجلسی با رویکرد کلامی خود در نگارش سیره نبوی در حیات القلوب با بهره گیری از منابع متقدم شیعه و اهل سنت با ذکر روایاتی در این زمینه به دفاع از این اندیشه پرداخته است. به عنوان نمونه به نقل از ابن طاووس و شیخ طبرسی در باب حجه الوداع مینویسد: رسول خدا (ص) فرمود: «ای مردمان، من پیغمبرم و علی وصی من است و بدرستی که خاتم امامان از ماست و بدانید که من با خدا بیعت کرده ام و علی با من بیعت کرده است و من شما را امر می کنم از جانب حق تعالی که با علی بیعت کنید، پس کسی که بشکند این بیعت را، ضرر آن به خودش می رسد» (مجلسی، ۱۳۷۸، د، ج ۲: ۵۵۰) و در این باب روایت دیگری می نویسد: حضرت علی (ع) فرمود: «چون هنگام وفات حضرت رسول (ص) شد، مرا طلبید و گفت: یا علی؛ تویی وصی من و خلیفه من بر اهل من و امت من در حیات من و بعد از موت من، دوست تو دوست من است و دوست من دوست خداست و دشمن تو دشمن من است و دشمن من دشمن خداست. یا علی هر که منکر امامت توست بعد از من چنان است که انکار رسالت من کرده باشد در حیات من؛ زیرا که تو از منی و من از تو ام». (صدوق، ۱۳۸۴، ب: ۶۵۲؛ مجلسی، ۱۳۷۸، د، ج ۲: ۶۸۴)

بر خلاف نظر غالب اهل سنت که بر این باورند که رسول خدا (ص) در آغوش عایشه همسر محبوبش، جان داد و این مطلب به تأثیر از حدیثی است که به خود او نسبت داده اند (دونالدسن، ۱۳۹۵، ج ۱: ۸۱) مترجم کتاب مذکور در نقد و تحلیل این گزارش، روایتی را از مجلسی آورده و می نویسد: «در زمان ارتحال پیامبر (ص) چون حضرت علی (ع) در پیشگاه رسول خدا (ص) حاضر شد، حضرت او را در بر گرفت و با او راز می گفت و چون روح مقدسش از بدن مطهرش مفارقت کرد، دستش بر روی بدن امیرالمومنین (ع) بود». (مجلسی، ۱۳۷۸، د، ج ۲: ۶۸۴)

علامه همچنین روایتی را از شیخ مفید، شیخ طبرسی و ابن ابی الحدید، نقل می کند که «چون حضرت رسول (ص) از دنیا رحلت نمود، منافقان، مهاجران و انصار؛ مانند ابوبکر و عمر و عبدالرحمن بن عوف و امثال ایشان به تعزیت پیامبر (ص) نپرداختند و در سقیفه بنی ساعده متوجه غضب

خلافت شدند و چون صبح شد؛ حضرت فاطمه (س) فریاد بر آورد: « یعنی روز بد بیا که روز توست، چون ابوبکر این سخن را شنید از روی شماتت گفت: روز تو بدترین روزهاست. پس از آن ملاعین فرصت را غنیمت شمردند و ابوبکر را خلیفه گرداندند؛ چنانچه در حیات حضرت رسول (ص) چنین توطئه کرده بودند». (مجلسی، ۱۳۷۸، د، ج ۲: ۷۰۰)

اما، شیخ مفید و طبرسی و ابن ابی الحدید، روایت مذکور را اینگونه آورده اند که « در هنگام دفن رسول خدا (ص) بر اثر آنکه بین مهاجر و انصار اختلاف شدیدی در خصوص امر خلافت واقع شده بود، اکثر آن ها در وقت دفن پیامبر (ص) حضور نداشتند. حضرت فاطمه (س) پس از دفن پیغمبر (ص) می گریست و از بدی روز و روزگار می نالید. ابوبکر به تمسخر تصدیق کرده و گفت اری امروز تو از بدترین روزهاست. و مردم که علی (ع) را سرگرم دفن رسول خدا دیدند از این فرصت استفاده کرده و ابوبکر را انتخاب نمودند زیرا در میان انصار دو دسته گی ایجاد شده بود و با ابوبکر بیعت کردند و او را به خلافت برگزیدند» (مفید، ۱۴۱۳، ق ب، ج ۱: ۱۸۹-؛ طبرسی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۱۷۵؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷، ج ۶: ۵) (۱۹۰).

از مقاسه روایات مذکور بدست می آید که شیخ مفید و طبرسی و ابن ابی الحدید، بر خلاف علامه مجلسی، به واژگانی چون؛ غصب خلافت، ملاعین و توطئه در زمان حیات رسول خدا (ص)، اشاره ای نداشته است و این در حالی است که مجلسی با بسط و گسترش مفهومی این روایت، در صدد آن بوده تا به اثبات و تبیین مسئله ولایت و امامت منصوص، که از ارکان کلام شیعه در برابر اهل سنت می باشد، همت گمارد و به عبارت دیگر، با ذکر این گونه روایات، درستی دیدگاه شیعه را نشان داده و آن را با استفاده از روایات شیعه و برخی منابع اهل سنت استوار میکند.

نتیجه گیری

علامه مجلسی با استفاده از موقعیت مناسب فرهنگی در عصر خویش، جهت استوار سازی باورهای شیعی مردم، با تکیه بر منابع متقدم روایی شیعه و استناد به برخی از منابع متقدم اهل سنت، بدون هیچ گونه بسط و قبضی در استفاده از آن‌ها با هدف جمع آوری میراث مکتوب شیعه و تبیین برخی از مبانی کلامی شیعه با مولفه هایی چون؛ نظریه نور محمدی، موحد بودن اجداد پیامبر اکرم (ص)، استناد به مصادیق ارهاص، عصمت پیامبر (ص) و ماهیت علم معصومان (ع) به نگارش سیره رسول خدا (ص) پرداخته؛ اما در تبیین برخی از باورهای مهم کلامی شیعه در برابر اهل سنت، چون؛ ولایت و امامت منصوص، به بسط مفهومی روایات در منابع شیعه و اهل سنت پرداخته و با مولفه هایی از قبیل؛ توسیع دامنه تبری و امامت منصوص، به اثبات حقانیت اهل بیت خصوصا حضرت علی (ع) در برابر قدح مخالفانشان اهتمام نشان داده است.

بنابراین از بازشناسی مولفه های استخراج شده از حیات القلوب، برمی آید که علامه در گزینش روایات و گزارش های تاریخی، اعتقادات کلامی خود را ملاک دانسته و با بیان روایت ها، در پی اثبات باورهای کلامی و شیعی خویش بوده و سیره نبوی را براساس باورهای شیعی عصر خود و برپایه ترکیب استدلال های کلامی شیعی و گزارش های تاریخی متناسب با اعتقادات کلامی نوشته و همواره گزارش های تاریخی را در خدمت تبیین باورهای کلامی شیعه قرار داده است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه ای.
۲. ابن ابی الحدید، عز الدین ابو حامد، (۱۳۳۷)، شرح نهج البلاغه، تصحیح محمد ابو الفضل ابراهیم، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول.
۳. ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع هاشمی بصری، (۱۴۱۰ ق/ ۱۹۹۰ م) الطبقات الكبرى، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول.
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۰۷ ق/ ۱۹۸۶ م) البدایة و النهایة، بیروت، دار الفکر.
۵. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷) النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، تحقیق: محمد محمود طناحی - طاهر احمد زاوی، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم.
۶. ابن خلکان، ابو العباس شمس الدین احمد بن محمد، (۱۳۹۸ ق/ ۱۹۷۸ م) وفيات الأعیان و أبناء أبناء الزمان، تحقیق احسان عباس، بیروت، دار صادر
۷. ابن جوزی، عبد الرحمن ۱۴۱۸ ق)، كشف المشكل عن حدیث الصحیحین، دار الوطن للنشر، ریاض.
۸. افندی اصفهانی، میرزا عبدالله، (۱۴۰۱ ق) ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تحقیق سید احمد حسینی، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۹. امین، سید محسن، (۱۴۰۶ ق) أعیان الشیعة، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
۱۰. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۳۷۹) مناقب آل ابی طالب (ع)، قم، نشر علامه، چاپ اول.
۱۱. امین، سید حسن، (۱۴۰۸ ق) مستدرکات اعیان الشیعه، دار التعارف للمطبوعات، بیروت.
۱۲. امداد، توران، (۱۳۹۸) خلقت نوری پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در اندیشه امامیه نخستین، پژوهشکده کلام اهل بیت (ع)، انتشارات دارالحدیث.
۱۳. انصاری، مرتضی، (۱۴۱۶ ق) فوائد الاصول، چاپ پنجم، قم، موسسه النشر الاسلامی.
۱۴. آفاجری، سید هاشم، (۱۳۸۸) مقدمه ای بر مناسبات دین و دولت در ایران عصر صفوی، تهران، طرح نو.
۱۵. آزاد کشمیری، محمد علی (۱۳۸۲) نجوم اسماء فی تراجم العلماء شرح حال علمای

- شیعه قرن های ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ق، تصحیح میر هاشم محدث، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۱۶. آیینہ وند، صادق، شهیدی، سید جعفر، تقی زاده داوری، محمود، (۱۳۸۲) مصاحبه علمی، فصلنامه شیعه شناسی، سال اول.
۱۷. باقری، خسرو، (۱۳۶۷)، "نگرش چیست و چگونه می توان نگرش ها را تغییر داد؟"، تربیت، شماره ۳۱.
۱۸. بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۰۷ ق) الجامع الصحیح، بیروت، دار الکتیر.
۱۹. بحرانی، یوسف ابن احمد، (۱۱۸۶ ق) لولوء البحرین فی الاجازات و تراجم رجال الحدیث، مؤسسسه آل البیت (ع) لاحیاء التراث، قم.
۲۰. تهرانی، آقابزرگ، (۱۴۰۳ ق) الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت، دارالاضواء.
۲۱. حق شناس، علی محمد و همکاران، (۱۳۹۰) فرهنگ معاصر هزار، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر، چ بیست و یکم.
۲۲. حلّی، حسن بن یوسف، (۱۴۰۸ ق) العدد القویه لدفع المخاوف الیومیه، انتشارات کتابخانه ایت الله مرعشی، قم.
۲۳. خوانساری، میرزا محمد باقر، (۱۳۹۲) روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، جلد اول، تحقیق اسداله اسماعیلیان، قم، انتشارات اسماعیلیان.
۲۴. زرین کوب، عبد الحسین، (۱۳۶۹) دنباله جستجو در تصرف ایران، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۲۵. دوایت. م. دونالدسن (۱۳۹۵) مذهب شیعه: تاریخ اسلام و ایران در عراق، ترجمه عباس احمدوند، جلد اول، پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت (ع).
۲۶. ساروخانی، باقر، (۱۳۷۵) روش های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۲۷. شاملو، ولی قلی خان بن داوود قلی، (۱۳۷۴)، قصص الخاقانی، به کوشش حسین سادات ناصری، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۸. حسینی لاهیجی، سید محمد بن احمد، (۱۴۱۱ ق)، نظم اللثالی، قم، دار الکتب الاسلامی.
۲۹. جابری، علی، (۱۴۰۹ ق) الفکر السلفی عند الشیعه الامامیه، انتشارات دارالحیاء.
۳۰. صدوق، محمد بن علی بن الحسین، (۱۴۰۳ ق) الخصال، مؤسسسه النشر الاسلامی،

قم.

- ۳۱- طبرسی، احمد بن علی (۱۳۸۱) الاحتجاج، جعفری، تهران، الاسلامیه.
- ۳۲- طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۴ ق)، الأمالی، قم، دار الثقافة، چاپ اول.
- ۳۳- همو، (۱۳۶۴) تهذیب الاحکام، چاپ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۴- طارمی، حسن، (۱۳۷۵) علامه مجلسی، انتشارات طرح نو، تهران.
- ۳۵- صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ ق) بصائر الدرجات، تحقیق میرزا حسن کوجه باغی، تهران، منشورات الاعلمی.
- ۳۶- صدوق، محمد بن علی بن الحسن، (۱۴۰۳ ق) الخصال، جلد اول، مؤسسه النشر الاسلامی، قم.
- ۳۷- طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۴ ق) الأمالی (للطوسی)، جلد اول، قم، دار الثقافة، چاپ اول.
- ۳۸- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق) الکافی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۹- عظیمی، محمد، (۱۴۰۰) راز پنهان روش شناسی کلامی علامه مجلسی، چاپ اول، قم، انتشارات ادیان
- ۴۰- فارابی، ابو نصر محمد، (۱۹۹۶ م) احصاء العلوم، بیروت، دار المکتبته الهلال.
- ۴۱- فرامز قرا ملکی، احد، (۱۳۸۸) «نگاهی به مبانی نظری روش تحقیق» (مصاحبه)، دو فصلنامه پژوهش، شماره سال ۱۳۸۸.
- ۴۲- فیاض لاهیجی، عبد الرزاق، (۱۴۲۶ ق) شوارق الالهام، جلد اول، شرح مقصد اول.
- ۴۳- فیض کاشانی، ملا محسن، (۱۳۹۳) علم الیقین، جلد اول، ترجمه حسین استاد ولی، انتشارات حکمت.
- ۴۴- قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳) تفسیر القمی، تحقیق طیب موسوی جزایری، قم، دار الکتاب، چاپ سوم.
- ۴۵- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ ق) بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، جلد اول، دوم و بیست و دوم، جلد یکصد و دوم بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۴۶- همو، حیات القلوب (۱۳۷۸) زندگانی محمد (ص) پیامبر اسلام، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیه.

۴۷. همو، (۱۳۵۷) حق الیقین، تهران، کتابفروشی اسلامیه
۴۸. همو، (۱۳۸۴) جلاء العیون؛ زندگانی چهارده معصوم (ع)، تحقیق سیدعلی امامیان، قم، نشر سرور.
۴۹. همو، (۱۴۰۴ق) مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۵۰. همو، (۱۳۷۶) عین الحیات، بی جا، دارالاعتصامی.
۵۱. همو، (۱۴۰۶ق) ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار، تحقیق سید مهدی رجائی، چاپ اول، قم، انتشارات کتابخانه ایت الله مرعشی نجفی.
۵۲. ملکی میانجی، علی (۱۳۸۵)، علامه مجلسی اخباری یا اصولی، قم، نشر دلیل ما.
۵۳. مفید، محمد، (۱۴۱۳ق) الارشاد، قم، موسسه ال البيت، چاپ اول.
۵۴. همو، (۱۴۱۴ق) اوائل المقالات، بیروت، دارالمفید، چاپ دوم.
۵۵. مقریزی، تقی الدین أحمد بن علی، (۱۴۲۰ق/۱۹۹۹م). إمتاع الأسماع بما للنبی من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع، تحقیق محمد عبدالحمید النمیسسی، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۵۶. مهدوی، سید مصلح الدین، (۱۳۸۶) زندگینامه علامه مجلسی، اصفهان، انتشارات حسینیہ عماد زاده.
۵۷. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، (بی تا) تاریخ الیعقوبی، انتشارات دار صادر.
۵۸. یعقوب زاده، هادی (۱۳۹۶)، "رویکردهای سیره نگاری پیامبر اعظم (ص) بوسیله شیعیان از ابتدای عصر پهلوی تا عصر حاضر"، رساله دکتری، استاد راهنما، احمدوند، عباس، دانشگاه شهید بهشتی.